

بیت‌الحکمه مأمون و عوامل شکل‌گیری و افول آن با محوریت نقش جریان اعتزال

غلامرضا رضایی / دانشجوی دکتری گروه تاریخ اسلام، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
rezaei.s.m.2020@gmail.com

مهدی گلجان / استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران
m.goljan12@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

چکیده

«بیت‌الحکمه» مأمون کتابخانه‌ای سلطنتی بود که در عصر اول عباسی همزمان با خلافت هارون عباسی (۱۷۰-۱۹۳ق) و وزارت خاندان برامکه در سال ۱۸۷ق/۸۰۳م تأسیس شد و در دوران خلافت مأمون تا متوکل (۱۹۸-۲۳۲ق) به اوج شکوفایی رسید و از عصر متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) رو به افول نهاد. جریان اعتزال در شکل‌گیری، رونق و افول بیت‌الحکمه مأمون نقش بسزایی داشت. این پژوهش با هدف ارائه تصویری از نقش جریان اعتزال در شکل‌گیری بیت‌الحکمه از یکسو و فروگاهش رونق آن از دیگر سو، به عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی آن به شیوه توصیفی - تحلیلی با تمرکز بر نقش اندیشه و جریان اعتزال می‌پردازد. براساس یافته‌های تحقیق، مقابله با نفوذ علمی و معنوی اهل بیت (ع) با به جریان انداختن حرکت‌های جدید علمی و گرایش شدید مأمون و خلفای پس از وی تا متوکل به اندیشه اعتزال از جمله عوامل شکل‌گیری بیت‌الحکمه بود. کاهش رونق نهضت ترجمه، خروج دانشمندان از بغداد، تلاش گسترده مأمون در دفاع از اندیشه‌های اعتزالی، سخت‌گیری‌های فراوان نسبت به مخالفان اعتزال، سیاست‌های ضداعتزالی متوکل، اطرافیان او و خلفای پس از وی، ترویج حدیث‌گرایی به‌جای خردگرایی - که شالوده جریان اعتزال بود - و عدم تسامح و تساهل خلفای پس از مأمون با اندیشمندان و علمای مذاهب گوناگون و به‌ویژه معتزله به‌لحاظ اعتقادی موجب افول بیت‌الحکمه مأمون شد. البته شکل‌گیری قدرت‌های نیمه متمرکز و گاه کاملاً مستقل در شرق و غرب خلافت عباسیان و تقابل آنان با دستگاه خلافت را نیز به‌عنوان عامل سیاسی نمی‌توان نادیده گرفت.

کلیدواژه‌ها: بیت‌الحکمه، شکل‌گیری بیت‌الحکمه، افول بیت‌الحکمه، مأمون، معتزله، جریان اعتزال.

یکی از تحولات مهم تاریخی که همزمان با روی کار آمدن خلفای عباسی به وقوع پیوست، ظهور عصر جدیدی از رونق فرهنگی و علمی در میان مسلمانان بود. تلاش‌های گسترده امامین صادقین علیهم‌السلام در گسترش علوم عقلی و نقلی و حتی تجربی با استفاده از فرصت دوران گذار اموی به عباسی، زمینه این تحول را ایجاد کرد. از این رو، خلفای عباسی از همان آغاز حکومتشان به فکر دفع خطر گسترش فرهنگ تشیع از طریق نشر علوم سایر فرق و ملل افتادند و در پایتخت خلافت عباسی مراکز علمی ایجاد کردند.^۱ یکی از این مراکز مهم، «بیت‌الحکمه» مأمون بود. بیت‌الحکمه در زمان مأمون معتزلی پروتق بود، اما در اواسط دوره متوکل و خلفای پس از او، گرایش به اهل حدیث رونق گرفت و در نتیجه بیت‌الحکمه که کانون معتزله به‌شمار می‌آمد، رونق اولیه خود را از دست داد.^۲

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که نقش اندیشه اعتزال در شکل‌گیری و افول بیت‌الحکمه چه بود؟ براساس فرضیه تحقیق پیش‌رو، همان‌گونه که رابطه معناداری بین شکل‌گیری و میزان گرایش مأمون و خلفای پیش از وی به جریان اعتزال وجود داشت، در افول بیت‌الحکمه نیز فروکاهش جریان اعتزال و عدم تمایل و حتی مقابله خلفای پس از مأمون به اندیشه و جریان اعتزال تأثیر بسزایی داشته است.

پیشینه تحقیق

در کتب تاریخی مربوط به عصر عباسیان، تلاش‌های فرهنگی خلفای عباسی و رونق گرفتن مراکز علمی همچنین تلاش‌های گسترده خلفای عصر اول در رابطه با نهضت ترجمه به‌طور مبسوط بررسی شده و کم‌وبیش به مراکز علمی این دوره و به‌ویژه بیت‌الحکمه اشاراتی شده است،^۳ اما هیچ‌یک به‌طور مستقل به نقش معتزله و جریان اعتزال در تأسیس و افول بیت‌الحکمه نپرداخته‌اند. برخی از این پیشینه‌ها عبارتند از:

۱. «بیت‌الحکمه و دارالترجمه»، کامران فانی، مجله نشر دانش (۱۳۶۰، ش ۷)؛ نویسنده بیت‌الحکمه را کتابخانه و مرکز پژوهش و استنساخ و ترجمه کتب علمی می‌داند، اما به علل افول بیت‌الحکمه هیچ اشاره‌ای نکرده و سخنی از ارتباط بیت‌الحکمه مأمون و جریان اعتزال نگفته است.
۲. «نهضت ترجمه در جهان اسلام»، ابراهیم مدکور، مجله نشر دانش (۱۳۶۲، ش ۱۷)؛ نویسنده همت خویش را مصروف به مترجمان و ویژگی‌های ترجمه‌های عربی کرده است.

۱. یوسفین عبدالله مزی، تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۷۹-۸۰؛ عبدالله‌ن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۵۵۶.

۲. ابوبکر خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۶۸؛ شمس‌الدین ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱۱، ص ۱۲۵؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۸، ص ۱۱۱.

۳. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: حمیدرضا عبدلی مهرجردی، «از بیت‌الحکمه سیاسی تا نهضت ترجمه فرهنگی؟»، سعید الدیوه‌جی، «بیت‌الحکمه»، ش ۷، احمدفرید رفاعی، عصر المأمون. در کتاب اخیر نویسنده اشاره‌ای به جریان اعتزال داشته و معتقد است مأمون بیشتر به ترجمه کتاب‌های فلسفی تمایل داشت، ولی به خاطر گرایش به مکتب اعتزال بحث‌های کلامی را ترویج می‌کرد.

۳. «نهضت ترجمه و پیامدهای آن»، فاطمه جان‌احمدی، مجله تاریخ اسلام (۱۳۷۹، ش ۴)؛ محوریت این نوشتار نهضت ترجمه و پیامدهای آن است و اشاره شده که مأمون در دارالخلافه بغداد همزمان با تکوین مذهب اجتهادی شیعه و رواج مکتب فکری و کلامی معتزله، رونقی تازه به جریان علمی بیت‌الحکمه بخشید، اما به جزئیات و بررسی عوامل رونق و افول بیت‌الحکمه پرداخته است.

۴. انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، دبلیسی اولیری، چ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴؛ این اثر از چگونگی انتقال علوم یونانی و لاتینی به جهان عرب و ایران و ترک که عموماً زیر حاکمیت اسلام قرار داشتند، صحبت می‌کند. بررسی مترجمان عرب و مدارس بغداد، به‌ویژه بیت‌الحکمه بخشی از مطالب این کتاب است که در ضمن آن، به اختصار درباره بیت‌الحکمه صحبت شده است.

۵. از بیت‌الحکمه سیاسی تا نهضت ترجمه فرهنگی، حمیدرضا عبدلی مهرجردی، ناشر مؤلف، ۱۳۹۵؛ این کتاب مترجمان عصر عباسی و کتب ترجمه‌شده آن دوره را بررسی می‌کند. نویسنده ضمن نفی ارتباط بیت‌الحکمه با نهضت ترجمه، نهضت ترجمه را نه یک نهضت گسترده سیاسی، بلکه یک حرکت فرهنگی می‌داند که پیش از زمان مأمون آغاز شده بود.

در مجموع، در آثار یادشده نهضت ترجمه و ارتباط آن با بیت‌الحکمه و علل رشد و افول آن بررسی شده، اما وجه تمایز نوشتار پیش‌رو، نگاه تحلیلی ویژه به جایگاه بیت‌الحکمه و علل افول آن با محوریت نقش جریان و اندیشه اعتزال است. نیز مقایسه گزارش‌های منابع کهن و پژوهشگران معاصر و تفاوت بسیار میان آنها زاویه جدیدی است که این نوشته به آن توجه کرده است. توصیف بیت‌الحکمه در منابع متقدم و متون معاصر یکسان نیست و با مراجعه به متون کهن، می‌توان دریافت که محتوای تفصیلی در رابطه با بیت‌الحکمه آورده نشده و بخش زیادی از مطالب متون معاصر از مستشرقان گرفته شده و در نتیجه بزرگنمایی اتفاق افتاده است.

مفهوم‌شناسی

الف. بیت‌الحکمه

«بیت‌الحکمه» یک مؤسسه علمی بود که دانشمندان در آن به ترجمه کتب فلسفی می‌پرداختند.^۱ منابع معاصر بیت‌الحکمه را مرکزی با کارکردهای فراوان و دستاوردهای گسترده علمی، از جمله ترجمه کتب، تربیت دانشمندان علوم گوناگون و نشر افکار خردگرایانه معتزلیان دانسته‌اند.^۲ بیت‌الحکمه محل نگه‌داری کتب، محل ترجمه آنها، محل نگه‌داری بت‌ها و یا مکان تصاویر و طلسم‌ها معرفی شده است. /وقدی از بیرون آوردن پرچم‌های اسکندر

۱. ابوالفرج ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۱۸؛ صلاح‌الدین صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱۲، ص ۱۹۱.

۲. ساعد اندلسی، التعریف بطبقات الامم، ص ۷۵-۷۶؛ دبلیسی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ص ۲۵۸؛ آلو مبه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ص ۱۷۷.

مقدونی از محلی به نام بیت‌الحکمه یاد می‌کند.^۱ براساس منابع کهن، عده‌ای از دانشمندان در این نهاد مشغول کار بودند و به همین سبب، عنوان «صاحب بیت‌الحکمه» را داشتند.^۲ در اخبار فتح اندلس از بیت‌الحکمه نام برده شده که در آن برخی تصاویر و طلسم‌ها وجود داشته است.^۳ همچنین نام بیت‌الحکمه فتح‌بن خاقان در منابع ذکر شده است. صفدی، *سندی بن علی الوراق* را صاحب بیت‌الحکمه فتح‌بن خاقان دانسته است.^۴

در منابع معتبر به تاریخ دقیق تأسیس بیت‌الحکمه اشاره‌ای نشده است. براساس برخی گزارش‌ها، سال‌ها قبل از روی کار آمدن عباسیان «بیت‌الحکمه» عنوانی برای کتابخانه سلطنتی یا محل نگهداری بت‌ها بوده است.^۵ خبری که مسعودی درباره عادات معاویه یاد کرده است، وجود کتابخانه سلطنتی در قصر را تأیید می‌کند. براساس این روایت، معاویه تا پاسی از شب می‌خوابید و سپس برمی‌خاست تا کتابدارانش کتاب‌هایی درباره سیاست‌ها، جنگ‌ها و نیرنگ‌های سلاطین برایش بخوانند.^۶

برخی معتقدند: بیت‌الحکمه کتابخانه و احتمالاً دیوان اداری بود که زمان منصور تأسیس شد.^۷ اما انتساب بیت‌الحکمه به هارون و برمکیان در برخی نقل‌های تاریخی حکایت از این دارد که بیت‌الحکمه در دوره هارون تأسیس شده است.^۸ به اعتقاد بعضی دیگر، نخستین مؤسسه علمی و یا کتابخانه رسمی به نام «بیت‌الحکمه» که محل کار مترجمان و دانشمندان نامی بود، در عصر هارون الرشید در بغداد به وجود آمد.^۹ البته فارابی در پی جمع‌بندی احتمالات، معتقد است: بیت‌الحکمه را هارون پایه‌گذاری کرد و آن را مأمون تقویت و گسترش داد.^{۱۰} در تحقیق حاضر نقطه تمرکز بر بیت‌الحکمه مأمون است.

ب. جریان اعتزال

«اعتزال» پدیده‌ای بود که در پی خردگرایی فرقه معتزله ایجاد شد. معتزله فرقه‌ای کلامی است که ابتدای قرن دوم هجری ظهور کرد و براساس منابع متقدم، نخستین رهبر این گروه *واصل بن عطاء* (م ۱۳۱) بود که با طرح

۱. محمدبن عمر واقدی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲. ابوالفرج ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۱۸؛ صلاح‌الدین صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱۲، ص ۱۹۱.

۳. شمس‌الدین ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۴. صلاح‌الدین صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۵، ص ۲۹۵.

۵. محمدبن عمر واقدی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۳۰۲؛ علی‌بن حسین مسعودی، اخبار الزمان، ص ۹۱.

۶. علی‌بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۳۱.

۷. دیمیتری گوتاس، تفکر یونانی فرهنگ عربی، ص ۷۷-۸۵.

۸. ابوالفرج ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۱۸؛ صلاح‌الدین صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱۲، ص ۱۹۱؛ جرجی زیلان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۶۳۰.

۹. ذیح‌الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ص ۴۸.

۱۰. ابونصر فارابی، الجمع بین رای‌الحکمین، ص ۶۴.

نظریه‌ای جدید درباره جایگاه مرتکب گناهان کبیره در برابر مرتبه و خوارج قرار گرفت. براساس نظر این فرقه، مرتکب گناه کبیره نه چنان که مرتبه می‌گفتند مؤمن و نه چنان که خوارج گفته‌اند کافر است، بلکه فاسق است و جایگاهی بین ایمان و کفر دارد.^۱

معتزله معتقد به اصالت عقل در برابر نقل هستند و عقل نظری را بر آموزه‌های وحیانی حاکم می‌دانند.^۲ این اصل ثمراتی در کلیت نظام فکری و عقاید دینی آنان به همراه داشته و برداشتی ویژه از توحید و عدل الهی به دست داده و بدین‌رو، به تأویل آن دسته از متون دینی که به‌ظاهر با عقل ناسازگار است، پرداختند. معتزله عقل را اساس اندیشه‌ی خویش و نظام معرفت دینی معرفی نمودند. به اعتقاد معتزلیان، اولین واجبی که از انسان خواسته شده تفکر و استدلالی است که به معرفت پروردگار بینجامد؛ زیرا از بین راه‌های مختلف و موجه کسب معرفت، تنها نظر و استدلال صلاحیت شناخت پروردگار را دارد.^۳

واصل بن عطاء (م ۱۳۱)، عمرو بن عبید (م ۱۴۳)، محمد بن هذیل معروف به «ابوالهذیل علاف» (م ۲۳۵)، ابراهیم بن سیار معروف به «نظام» (م ۲۳۱)، ابوعلی جیائی (م ۳۰۳)، عبدالسلام بن محمد بن عبدالوهاب، فرزند ابوعلی جیائی (م ۳۲۱) از جمله معارف معتزله‌اند. خطیب بغدادی، ابوالهذیل علاف و عبدالسلام را از شیوخ معتزله و نویسنده کتاب‌هایی به روش اعتزال دانسته،^۴ می‌نویسد: عبدالسلام در پایان عمر در بغداد ساکن شد.^۵

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قاضی القضاة عبدالجبار بن احمد همدانی (م ۴۱۵) از مشایخ معتزلیان و تأثیرگذار در مکتب اعتزال در بصره بود.^۶ اما در بغداد بشرین معتمر (م ۲۱۰)، ثمامه بن اشرس (م ۲۳۴)، جعفر بن مبشر (م ۲۳۴)، جعفر بن حرب (م ۲۳۶)، احمد بن ابی‌دوآد (م ۲۴۰) و محمد اسکافی (م ۲۴۰ هـ.) از مشایخ معتزله بودند. تقسیم معتزله به «معتزله بصره» و «معتزله بغداد» از زمان بشرین معتمر آغاز شد. نوشتار حاضر متمرکز بر نقش معتزله بغداد است که بیشترین تأثیر را بر شخصیت و اندیشه مأمون داشتند.

بیت‌الحکمه و علل شکل‌گیری آن

جایگاه، کارکرد و عوامل شکل‌گیری بیت‌الحکمه از مباحث بنیادی قابل توجهی است که در پیشبرد مبحث اصلی این نوشتار مؤثر است.

۱. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و التحل، ج ۱، ص ۴۸؛ عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۱۱۸.

۲. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب، ص ۱۱۲؛ علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۲۶۸.

۳. ابوالحسن قاضی عبدالجبار، محیط بالتکلیف، ص ۳۹.

۴. ابوبکر خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۲۶؛ ج ۱۱، ص ۵۶.

۵. همان.

۶. ابوالفرج ابن‌نذیم، الفهرست، ص ۲۰۶.

۱. جایگاه و کارکرد بیت‌الحکمه

عمومی بودن عنوان «بیت‌الحکمه» برخی تاریخ‌نگاران را بر آن داشت تا برای سهولت و دقت در معرفی، بیت‌الحکمه را به مؤسس آن نسبت دهند. ندیم در شرح حال *اعلان الشعوبی* می‌نویسد: وی اهل فارس بود و در بیت‌الحکمه رشید، مأمون و برمکیان نسخه‌برداری می‌کرد.^۱ صفدی نیز سعید بن هریم *الکاتب* را متولی بیت‌الحکمه مأمون معرفی می‌کند.^۲

مؤلفان معاصر بیت‌الحکمه مأمون را آغازگر ظهور عصر جدیدی از رونق فرهنگی در جهان اسلام می‌دانند که در ترجمه کتب، انتقال آثار علمی یونانیان از بی‌زانس، تولید افکار و تربیت دانشمندان جایگاه والایی داشت.^۳ گفته شده: بیت‌الحکمه بغداد نخستین نهاد آموزشی و کتابخانه در نظام اسلامی به‌شمار می‌آید که نقش مهمی در پرورش و گسترش علوم و فنون داشت و بیشتر به فلسفه و علوم ریاضی و طبیعی می‌پرداخت. این مرکز با هزینه دولت اداره می‌شد و محل اجتماع دانشمندان و پژوهشگران و مترجمانی بود که کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه کردند. برخی بر این باورند که اساس بیت‌الحکمه را *هارون الرشید* پایه‌ریزی نمود.^۴ در بیت‌الحکمه افزون بر کار ترجمه، پژوهش و مطالعه و بحث آزاد علمی رایج بود. در کتابخانه بزرگ بیت‌الحکمه که بعدها مأمون رصدخانه‌ای به آن ملحق کرد، به کتب ترجمه‌شده از فرهنگ‌های غیرعربی توجه بسیار می‌شد و با افزایش و گسترش این مرکز علمی، فعالیت‌های ترجمه در عصر مأمون به اوج خود رسید.^۵ بسیاری از کتب فلسفی و علوم اوائل گردآوری‌شده در این مرکز در اختیار *ابن‌رومی* قرار داشت.^۶

براساس گزارش‌های فوق، تاریخ‌نگاران معاصر بیت‌الحکمه مأمون را نهادی دولتی، منظم و با کارکردهای فراوان وصف کرده‌اند که همه فعالیت‌های علمی عصر اول عباسی در قالب آن صورت می‌گرفت. طبق نظر معاصران، شالوده علوم عقلی و فلسفی و ریاضی و طب و - به اصطلاح - علوم اوائل در اسلام در شهر بغداد ریخته شد.^۷ بزرگ‌ترین دانشمندان و مترجمان از اطراف و اکناف بلاد به بغداد فراخوانده شدند و به تألیف و ترجمه کتب مربوط به این رشته‌ها پرداختند. تمجید اندیشمندان شیعه و اهل سنت و معاصران از بیت‌الحکمه

۱. ابوالفرج ابن‌نذیم، *الفهرست*، ص ۱۱۸؛ صلاح‌الدین صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ *یاقوت حموی*، *معجم البلدان*، ج ۱۲، ص ۱۹۱.

۲. صلاح‌الدین صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۳. ساعد اندلسی، *التعریف بطبقات الامم*، ص ۷۵-۷۶؛ دلیسی اولیری، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*، ص ۲۵۸؛ *آلومیه لی*، *علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان*، ص ۱۷۷؛

کارل بروکلמן، *تاریخ الادب العربی*، ج ۲، ص ۴۸۷؛ *جرجی زینان*، *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۳، ص ۶۳۰.

۴. علی‌اکبر ولایتی، *فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، ج ۱، ص ۱۱۳.

۵. شوقی ضیفه، *العصر العباسی الاول*، ج ۳، ص ۱۱۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۳۹۸؛ کارل بروکلמן، *تاریخ الادب العربی*، ج ۲، ص ۴۸۷.

۷. شوقی ضیفه، *العصر العباسی الاول*، ج ۴، ص ۲۹۸؛ *جرجی زینان*، *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۴، ص ۳۴.

مأمون، بدون توجه به وسعت و عظمت تلاش‌های علمی امامان معصوم علیهم‌السلام و تأثیر این فعالیت‌ها در پی‌ریزی فرهنگ و تمدن اسلامی و اینکه خلفای عباسی، به‌ویژه مأمون را پایه‌گذار و مروج فرهنگ و تمدن اسلامی معرفی کرده‌اند، قابل تأمل است؛ آن هم تمدنی که در سایه آن امام صادق علیه‌السلام حق فتوا نداشت،^۱ امام کاظم علیه‌السلام زندانی شد^۲ و امام رضا علیه‌السلام محترمانه در دربار محبوس و تحت نظر بود.^۳ به نظر می‌رسد این تمجیدها تأثیرپذیرفته از آثار مستشرقان است.^۴

لازم به ذکر است گزارش‌هایی که منابع کهن از جایگاه و کارکرد بیت‌الحکمه مأمون به دست می‌دهند با تصویر پژوهشگران معاصر تفاوت‌های بسیاری دارد. آنچه در منابع اولیه منعکس شده مطالبی محدود است که گاهی در حد ذکر عنوان و گاهی با بیان کارکردی مختصر از بیت‌الحکمه است، درحالی‌که برخی منابع معاصر جایگاه، کارکرد و آثار فراوانی را به بیت‌الحکمه نسبت داده‌اند.

۲. علل شکل‌گیری بیت‌الحکمه

در *الفهرست ابن‌ندیم* به علت تأسیس بیت‌الحکمه اشاره شده است: مأمون خواب دید پرسش‌هایی از ارسطو می‌نماید و پاسخ‌های منطقی دریافت می‌کند. پس از بیدار شدن در نامه‌ای از امپراتور بیزانس درخواست کرد تا گزیده‌ای از آثار موجود در کتابخانه‌های بیزانس را به بغداد آورد. امپراتور با تردید و تأخیر موافقت کرد و مأمون نیز سگم، صاحب بیت‌الحکمه و برخی دیگر را برای انتخاب کتاب فرستاد تا آنچه را مناسب می‌دانند به کتابخانه بغداد منتقل کنند. سپس به ترجمه این آثار فرمان داد.^۵ گفته می‌شود: این جریان سرانجام منجر به تأسیس نهادی به نام «بیت‌الحکمه» در بغداد و انتشار آن در سایر بلاد اسلامی شد.^۶ به نظر می‌رسد این علت عوام‌پسندانه نمی‌تواند منشأ آن همه زحمات و مخارج سنگین در راه انتقال کتب و ترجمه آنها باشد.

برخی تأثیر فرهنگ و تمدن ساسانی و مراکز علمی آن دوره، از جمله «جندی‌شاپور» را علت تأسیس بیت‌الحکمه دانسته، معتقدند: اعراب قوانین حکومت و کشورداری و چگونگی اداره امور و انتظام طبقات خواص و

۱. شمس‌الدین ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶؛ محمدبن علی صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶؛ یوسف ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۱۳.

۳. محمدبن علی صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۲۵.

۴. برخی از این مستشرقان عبارتند از: اولیری دیسی، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی؛ روزنتال فرانتز، میراث کلاسیک اسلام؛ دیمیتری گوتاس، تفکر یونانی، فرهنگ عربی؛ میه‌لی، آلدو، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان؛ کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی؛ پول کراوس، التراجم الارسطالیة المنسوبة إلى ابن المقفع؛ ماکس مايرهوف، من الاسکندرية الى بغداد.

۵. ابوالفرج ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۳۰۲.

۶. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: سعید الدیوه جی، بیت‌الحکمه، ص ۲۱۱-۲۶۶.

عوام و واداشتن هر طبقه به کار خود را از پارسیان آموختند و الگوی اصلی بیت‌الحکمه در سرزمین اعراب و پایگاه حکومت اسلامی، دانشگاه «جندی شاپور» در سرزمین پارس بوده است.^۱

به اعتقاد کریستین سن، یکی از مهم‌ترین مراکز علمی دوره ساسانیان که تأثیرات شگرفی بر پیشرفت علوم گوناگون و همچنین تأسیس بیت‌الحکمه و دیگر مراکز علمی این دوره، همچون بیمارستان‌ها داشت، دانشگاه «جندی شاپور» از مشهورترین دانشگاه‌های پزشکی تاریخ جهان در اواخر ساسانیان و اوایل دوره اسلامی بود که حتی پس از انقراض ساسانیان در نخستین سده‌های دوره اسلامی برجای ماند.^۲

«جندی شاپور» از بزرگ‌ترین مراکز پزشکی بود که اطبای آن به بغداد فراخوانده شدند. این پزشکان که بیشتر، در «جندی شاپور» تدریس می‌کردند، در زمان انتقال به بغداد، حوزه درسی خود را هم به آن شهر منتقل کردند و از این راه به پایتخت حکومت اسلامی جدید، مرکزیت علمی بخشیدند.^۳ به‌طور کلی، دانشگاه «جندی شاپور» افزون بر همه دستاوردها، در زمینه‌های پژوهشی، الگوی دارالحکمه‌ها و به‌ویژه «بیت‌الحکمه» در بغداد شد و محققان شباهت کاملی میان کار مؤسسه بیت‌الحکمه بغداد و «دارالعلم جندی شاپور» می‌بینند.^۴

این مقفّع از جمله دانشمندان بنام بود که در دوره خلافت عباسی مشغول به ترجمه کتب پهلوی به زبان عربی بود. وی با این کار، فرهنگ و هنر ایرانی را حفظ کرد و موجب شد تا خلفای عباسی از رویدادهای دوران ساسانی، به‌ویژه نظام دیوان‌سالاری آن بهره‌مند شوند.^۵ می‌توان گفت: این‌که *اعلان الشعوبی* از اهالی فارس در بیت‌الحکمه رشید، *مأمون* و برمکیان نسخه‌برداری می‌کرد،^۶ نشان‌دهنده آن است. ایرانیان با ورود به دربار عباسی، فرهنگ و تمدن خویش را به آنها، نه‌تنها معرفی، بلکه تحمیل کردند و این قبیل اقدامات با ترجمه کتب پهلوی به عربی انجام گرفت.

از دیگر علل تأسیس بیت‌الحکمه علاقه وافر خلفای عصر اول عباسی، به‌ویژه *مأمون* به دانش ذکر شده است. باید در نظر داشت خردورزی ناشی از اندیشه اعتزالی *مأمون*، به شکل مختصر در متون کهن و به صورت اغراق‌آمیز در منابع معاصر مطرح شده است. به‌نظر می‌رسد با توجه به گزارش‌ها و روایات متعددی که تقابل خلفای عباسی با شخصیت و جایگاه علمی اهل بیت علیهم‌السلام را می‌نماید و وجود تعبیری همچون «اگر جعفر بن

۱. عمرو بن بحر جاحظ، رسائل کلامیه، ص ۴۱۴.

۲. آرثور کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۷؛ محمد محمدی، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و آثار عربی، ص ۲۸۵-۲۸۴.

۳. معصومه قره‌داغی و غلامرضا دوست‌زاده، «نقش خلفای عباسی در انتقال پزشکان خاندان بختیشوع به بغداد»، ص ۲۰۶.

۴. کامران فانی، «بیت‌الحکمه و دارالترجمه»: نوارائه کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۷۸.

۵. صمد مؤمنی، «مقایسه رویکردهای این مقفّع و جاحظ بصری در معرفی فرهنگ و تمدن ساسانی به خلافت عباسی»، ص ۲۶۵-۲۶۷.

۶. ابوالفرج ابن‌نذیم، الفهرست، ص ۱۱۸؛ صلاح الدین صفدی، الوافی بالوفیات؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱۲، ص ۱۹۱.

محمد توانست جواب مسائل را بدهد از چشم مردم خواهد افتاد»^۱ و برپایی مناظره بین علمای ادیان و فرق دیگر با امام رضا علیه السلام توسط مأمون^۲ و نمونه‌هایی از این دست بتوان مقابله با نفوذ علمی و معنوی اهل بیت علیهم السلام و ایجاد حرکت‌های جدید علمی را در شمار علل تأسیس بیت‌الحکمه به‌شمار آورد.

براساس گزارش‌های تاریخی، امام باقر علیه السلام حوزه علمیّه شیعه را بنا نهاد و بسیاری از معارف دین را در زمینه‌های گوناگون تعلیم داد، تا جایی که گفته شده: بزرگان فقها و علما همه علوم را از ایشان اخذ می‌کردند.^۳ پس از آن، امام صادق علیه السلام با استفاده از فرصت دوران گذار و درگیری‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، حوزه علمیّه پدر را در شاخه‌های متعدد علوم نقلی و عقلی و حتی تجربی به‌گونه‌ای توسعه داد که شاگردان بسیاری از محضر او کسب علم می‌کردند.^۴ حتی دو تن از امامان چهارگانه اهل سنت، یعنی ابوحنیفه و مالک بن انس در شمار شاگردان امام صادق علیه السلام بودند.^۵ محبوبیت و عظمت علمی امام صادق علیه السلام همواره بر بیم و نگرانی خلفای عباسی می‌افزود. از این رو، مهم‌ترین شیوه مقابله با نفوذ گسترده امام صادق علیه السلام و معارف شیعی به راه انداختن جریان‌های فرهنگی و تأسیس مکاتب علمی و فرق مذهبی بود.

یکی دیگر از عوامل تأسیس بیت‌الحکمه نقش جریان اعتزال است. اوج اقتدار و عزت معتزله در دوران مأمون عباسی بود. وی به اهل دانش علاقه‌مند بود.^۶ در این زمان معتزلیان توانستند نظر او را به‌سوی خود جلب کنند و حتی پست‌های مهم و کلیدی را اشغال نمایند. از افراد مؤثر در جذب مأمون به اعتزال، بنیانگذار مکتب اعتزال بغداد، ابوسهل بشرین معتمر (م ۲۱۰)، بود.^۷ قاضی عبدالجبار در فضل الاعتزال او را رهبر معتزله بغداد می‌داند که ملل و نحل را در اشعار طولانی‌اش به نظم درآورده بود.^۸ تمامه بن اشرس ابومعن نمیری (م ۲۱۳) نیز از تربیت‌یافتگان مکتب اعتزال بغداد و نویسنده بلغی بود. وقتی مأمون از فضل او آگاه شد، او را به وزارت دعوت کرد، ولی او نپذیرفت.^۹

مأمون تحت تأثیر خردگرایی اعتزالی، همت خود را مصروف ترجمه و تألیف کتب، به‌ویژه کتاب‌های فلسفه و منطق نمود و در زمان او بسیاری از کتاب‌های ارسطو ترجمه و به‌دنبال آن دامنه فعالیت‌های بیت‌الحکمه گسترده‌تر

۱. یوسفین عبدالله مزی، تهذیب الکمال، ج ۵ ص ۷۹-۸۰ عبدالله بن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۵۵۶.

۲. رک: محمدبن علی صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۲ و ۱۵۴.

۳. محمدبن محمدبن نعمان مفید الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۷؛ اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۴۳۵-۴۳۹.

۴. محمدبن محمدبن نعمان مفید الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۴۷.

۵. محمدبن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۶۷.

۶. عبدالرحمان سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۸۴؛ عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، ص ۴۲۱-۴۸۰.

۷. ابوالفرج ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۰۵.

۸. قاضی عبدالجبار، فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، ص ۲۶۵.

۹. ابوالفرج ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۰۷.

گشت.^۱ گفته می‌شود: مأمون برای به قدرت رسیدن به دنبال مکتب و مذهبی به عنوان پشتوانه عقیدتی خود بود که از تعصبات نژادی کمتری برخوردار باشد و مکتب اعتزال این ویژگی را داشت.^۲

عده‌ای ارتباط بین مأمون با معتزلیان را بسیار نزدیک دانسته، حتی ساخت بیت‌الحکمه را نیز نتیجه این ارتباط می‌دانند و معتقدند: بیت‌الحکمه یکی از کانون‌های معتزله و محلی برای تبادل افکار آنان و نیز مرکزی برای شعوبیان بود.^۳ از بین مستشرقان، سوردل نیز هدف مأمون از تأسیس بیت‌الحکمه را تقویت عقاید معتزلی می‌داند؛ زیرا به‌زعم وی، این مؤسسه به ترجمه آثار فلسفی یونانی اختصاص داشت و مبنای کار معتزله نیز از آنها گرفته شده بود.^۴

البته عصر معتصم (۲۱۸-۲۲۷) و وائقی (۲۲۷-۲۳۲) نیز عصر پیشرفت آراء عقل‌گرایانه معتزلیان بود.^۵ گرویدن خلفای عباسی به معتزله دقیقاً هم‌زمان با اوج رونق مرکز علمی بیت‌الحکمه و نهضت ترجمه بود. بنابراین به‌راحتی می‌توان دریافت که بین اوج‌گیری معتزله با رونق بیت‌الحکمه بی‌شک ارتباط معنادار و تنگاتنگی وجود داشته است. در مجموع، گرایش شدید مأمون و خلفای پس از وی تا متوکل به جریان اعتزال و اهتمام به ترجمه آثار فلسفی و تفکرات صاحب‌نظران سرزمین‌های غیراسلامی در پایگاه حکومت اسلامی از مهم‌ترین عوامل رونق و شکوفایی بیت‌الحکمه بود. از این‌رو، با آنکه در زمان هارون شکل گرفت، به «بیت‌الحکمه مأمون» شهرت یافت.

عوامل افول بیت‌الحکمه

به‌گواه منابع تاریخی، بیت‌الحکمه مأمون پس از خلفای عصر اول عباسی، رونق و اعتبار اولیه خود را از دست داد و سرانجام دچار افول کامل شد.^۶ در زوال و رکود بیت‌الحکمه عوامل گوناگون فرهنگی، اعتقادی و سیاسی دخیل بودند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی ناظر به مسائل و موضوعاتی است که ارتباطی مستقیم با مقولات مهم فرهنگی و علمی دارد. از جمله این عوامل می‌توان به تألیف و ترجمه کتب، تأسیس مدارس و مؤسسات علمی و تحقیقی و ارج نهادن به علما و صاحبان اندیشه‌ها اشاره کرد.

۱. سعید الدبویه، بیت‌الحکمه، ص ۲۱۱-۲۶۶.

۲. علی‌محمد ولوی، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳. یوسف عش، تاریخ عصر الخلافة العباسیة، ص ۵۳-۵۷.

4. D. Sourde Sourdel, "The Abbasid Caliphate", p. 124.

۵. علی‌بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۴۷۷-۴۸۲؛ محمد نجیب بوطالب، مبارزات اجتماعی در دولت عباسی، ص ۱۰۰.

۶. عبدالرحمن سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۱) کاهش رونق نهضت ترجمه متأثر از بی‌توجهی خلفا به دانش

از مهم‌ترین عوامل فرهنگی افول بیت‌الحکمه، بی‌رونقی نهضت ترجمه و بی‌توجهی خلفای عباسی پس از مأمون به علوم گوناگون بود. نهضت ترجمه در زمان هارون و مأمون فعال بود. در این دوران مترجمان کتاب‌های اساسی را از سریانی، یونانی، پهلوی و سانسکریت به عربی ترجمه کردند، به‌گونه‌ای که تا سال ۲۳۶ق مهم‌ترین آثار یونانی در ریاضیات و نجوم و طب به عربی درآمد بود.^۱ برخلاف عصر مأمون، نهضت ترجمه در عصر جانشینان وی رشد درخور اعتنایی نداشت. در نهایت، پایان نهضت ترجمه پایانی بر فعالیت‌های گسترده بیت‌الحکمه نیز بود، به‌گونه‌ای که بیت‌الحکمه بغداد شکوه گذشته خود را از دست داد و پس از این تاریخ هرگز نتوانست همچون گذشته بدرخشد.

در عصر معتصم (۲۱۸-۲۲۷) رقابت عناصر ترک‌نژاد با صاحب‌نفوذان ایرانی و عرب، عرصه را بر دانشمندان تنگ کرده بود. بی‌تدبیری‌های معتصم و بی‌رغبتی او به علم تا حد زیادی از شکوه بیت‌الحکمه بغداد کاست.^۲ در حکومت واثق (۲۲۷-۲۳۲ق) کوتاه بود. اگرچه آثار انحطاط علمی در دوره متوکل نمایان شد، اما بنا به عللی شاید بتوان عصر وی را دوره بهترین و منسجم‌ترین ترجمه‌ها دانست؛ زیرا مترجمان نوپای عصر مأمون در این دوره به کمال رسیده بودند و ترجمه‌های خوبی به بازار علم عرضه می‌کردند و هم اینان بیت‌الحکمه را برای مدت کوتاهی رونق بخشیدند. با مرگ و روی کار آمدن خلفایی که توجهی به علوم عقلی نداشتند، جریان علمی و کار ترجمه رو به افول نهاد و به‌جای توجه به علوم کلامی و اندیشمندان و عالمان، به علم حدیث و قرآن به مثابه یگانه منبع هدایت و تنها علم اسلامی توجه شد.^۳ بدین‌سان، بیت‌الحکمه نیز از رونق افتاد.

۲) خروج دانشمندان از بغداد در پی انتقال پایتخت از بغداد به سامراء

با مرگ مأمون و انتقال مرکز حکومت اسلامی از بغداد به سامراء در عهد معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق) ویژگی فرهنگستانی بیت‌الحکمه کمرنگ و به یک کتابخانه محدود مبدل گشت^۴ و با وجود حضور بسیاری از مترجمان طراز اول در این عصر، بیت‌الحکمه دیگر رونق روزگار مأمون را نداشت. از این دوره به بعد تا عصر متوکل بسیاری از دانشمندان به اقصا نقاط مهاجرت کردند و کانون فرهنگ بغداد از هم پاشیده شد. افول اقبال علمی بغداد، رونق سایر مراکز و دربار فاطمیان مصر را به‌دنبال داشت.^۵ ازجمله، کتابخانه فاطمیان در

۱. دلیمی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ص ۲۵۸؛ آلمو میه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ص ۱۷۷.

۲. عبدالرحمن سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۳. فاطمه جان‌احمدی، نهضت ترجمه؛ نتایج و پیامدهای آن، ص ۹۵.

۴. دلیمی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ص ۲۰۸.

۵. عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۴۰-۴۳.

مصر، سامانیان و آل بویه در ایران و یا کتابخانه‌های اندلس، ضمن جلب و جذب محققان، دانشمندان و طلاب، با پرداخت امتیازاتی به آنها بر روند این جابه‌جایی افزودند.^۱ همچنین ممانعت از راه‌اندازی مجالس مناظره پس از دوران مأمون و مجازات مجریان، علاوه بر درهم پیچیدن طومار عصر آزاداندیشی مأمون، موجبات رنجش مترجمان طراز اول و یا مهاجرت آنان از مرکز خلافت را فراهم آورد.^۲ همین امر به همراه سایر عوامل سیاسی، فرهنگی که میراث عصر معتصم بود، موجب رکود بیت‌الحکمه شد.

ب. عوامل اعتقادی

عوامل اعتقادی به‌طور معمول ناشی از اختلافات فکری، مذهبی، کلامی و فرقه‌ای در سطوح خرد و کلان است و ثمره این اختلافات، اوج‌گیری یا افول یک اندیشه، پدیده یا نهاد اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی خواهد بود. شهرستانی معتقد است: در دوره حکومت بنی عباس، معتزله نمایندگی دفاع از «تفویض» را به عهده داشتند و جهمیه، اهل حدیث و بعدها به تبع آنها، اشاعره ناخواسته مدافع جبر شده بودند.^۳ گفته می‌شود: تلاش معتزله بر این بود که مانند دیگران به ایمان اجمالی به متشابهات اکتفا نکنند. از این رو، آیات مربوط به یک موضوع را که احياناً نوعی اختلاف در آنها به نظر می‌آمد، جمع کردند (مانند آیات راجع به جبر و اختیار و تجسیم و تنزیه)، به داوری عقل روی آوردند و در نتیجه، در هر مسئله‌ای به رأی و نظری دست یافتند، آنگاه با آیاتی که به ظاهر مخالف با آن رأی بود، بازگشته، آنها را تأویل نمودند. بدین روی، تأویل از مهم‌ترین نمودهای روش متکلمان معتزلی و بارزترین وجه امتیاز روش آنان با سلف بود و از جمله عوامل مؤثر در گرایش آنان به روش عقلی، درگیری و جدال کلامی آنان با علمای اهل کتاب و بت‌پرستان به‌شمار می‌آمد؛ زیرا در بحث با آنان استناد به قرآن و حدیث نافع نبود، بلکه می‌بایست به قضایای مقبول همه عقول بشری استناد نمایند و در نتیجه به روش فلسفی (تفکر عقلانی) روی آوردند.^۴ شیخ مفید، نمونه‌هایی از تأویلات معتزلیان را در کتاب *اوائل المقالات* خود آورده و حتی رساله‌ای مستقل با عنوان *المقنعه* درباره دیدگاه‌های معتزله بغداد و هماهنگی آن با روایات اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته است.^۵

برخی از عوامل افول بیت‌الحکمه مأمون عبارتند از:

۱. فاطمه جان‌احمدی، نهضت ترجمه، ص ۱۲۳.

۲. علی بن حسین مسعودی، اخبار الزمان، ص ۳۱۹.

۳. رک: محمدبن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ص ۴۵ و ۸۶.

۴. احمد امین، ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۱۵-۱۷.

۵. محمدبن محمدبن نعمان مفید الارشاد، پلورقی ص ۶۴.

۱. فروکاهش گرایش‌های اعتزالی پس از دوران مأمون

مهم‌ترین آموزه‌های رایج در بیت‌الحکمه آموزه‌های آیین معتزلی بود. در واقع معتزلیان با استقرار در بیت‌الحکمه و شکوفا کردن این مؤسسه، به گسترش نفوذ و تعلیمات خود در آنجا همت گماردند.^۱ پس از این دوران و زمانی که معتزلیان از قدرت طرد شدند، شکوه بیت‌الحکمه نیز رو به زوال رفت. براساس منابع، نزدیکی معتزلیان به دستگاه خلافت عباسی در بلندمدت ضربات جبران‌ناپذیری بر این فرقه وارد کرد. در دوران مأمون و پس از آن، عقاید معتزله تبدیل به وسیله‌ای در دست حکومت عباسی به منظور سرکوب مخالفان گردید و همین امر موجب شد تا معتزلیان در میان مردم و در چشم خلفای بعدی اعتبار خود را از دست بدهند.^۲

می‌توان گفت: زوال فرقه معتزلی زوال علم کلام و علوم عقلی را هم به دنبال داشت و بی‌توجهی به علوم عقلی و سایر علوم کلامی پس از دوره اوج آن، زوال و به انزوا بردن بیت‌الحکمه را در پی آورد. عدم توجه به عقل و علوم عقلی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر مراکز علمی آن دوران همچون بیت‌الحکمه که دانشمندان در آن بیشتر به ترجمه و تألیف کتب علمی و علوم عقلی می‌پرداختند، تأثیر گذاشت و موجب افول آن گردید.^۳

پس از آن تا پایان خلافت عباسی، اهل حدیث که تمرکزشان بیشتر بر علوم نقلی و سیره پیامبر و صحابه بود، قدرت زیادی یافتند. به گفته ابوزهره، همزمان با خلافت متوکل، قدرت خردگرایان معتزلی و همچنین شعاع فعالیت مراکزی مانند بیت‌الحکمه رو به کاهش گذاشت^۴ توجه افراطی به علوم نقلی و جمود بر پذیرش احادیث، بدون توجه به ملاک‌های عقلی و منطقی منجر به رکود خردگرایی و در نتیجه کم‌رنگ شدن فعالیت‌های بیت‌الحکمه شد.

۲. تقابل فکری خلفای عباسی پس از مأمون با جریان اعتزال

یکی از عواملی که زوال مرکز علمی بیت‌الحکمه را تسریع بخشید خلافت متوکل و سیاست‌های وی بود. او اهل حدیث را وارد هرم قدرت دینی و سیاسی خود کرد، به‌گونه‌ای که تنها آنان قادر به ترویج و بحث و مناظره بودند و سایر فرق و مذاهب دیگر از آن منع شدند و در مجموع، رسم استفسار عقیده و مجادلات پیشین در دین را برچید.^۵

مطالعه منابع پیشین نشانگر آن است که مقابله با جریان اعتزال و شیعیان و اهل ذمه در دوره متوکل، با برنامه‌ریزی هوشمندانه صورت گرفت؛ به این معنا که با خروج فلسفه و علوم عقلی و تحقیقات مبتنی بر خردورزی

۱. محمد کریمی زنجانی، دارالعلوم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، ص ۳۳.

۲. سیداسعد شیخ‌الاسلامی، سیری اجمالی در اندیشه‌های کلامی معتزله و اشاعره، ص ۱۸۰.

۳. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ج ۷، ص ۲۳۶.

۴. محمد ابوزهره، تاریخ مذاهب اسلامی، ص ۱۵.

۵. ابوبکر خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۶۸ شمس‌الدین ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱۱، ص ۱۲۵؛ خیرالدین زکری، الاعلام، ج ۸، ص ۱۱۱.

از دستگاه خلافت، زمینه جایگزینی علوم نقلی و ادبیات عرب فراهم شد و این روند در زمان خلفای عباسی پسین نیز ادامه یافت. خلفای عباسی پس از متوکل هم به تعطیلی مباحث کلامی و عقلانی امر کردند و متفکران را - عموماً - تحت تعقیب قرار دادند.^۱ براین اساس، با زوال معتزله و علوم کلامی و عقلی، بیت‌الحکمه نیز وجهه اصلی خود را از دست داد و به افول رفت.

بعد از مأمون و به‌ویژه در زمان متوکل، تسامح و تساهل حاکم بر بیت‌الحکمه از بین رفت و تنها اهل حدیث قادر به ترویج و بحث و مناظره بودند و دیگر فرق و مذاهب از آن منع شدند.^۲ متوکل در سال ۲۴۰ق کوشید تا با نشان دادن گرایش شدید به افکار کاملاً سنت‌گرایانه و محافظه‌کارانه اهل‌تسنن و سخت‌گیری نسبت به سایر اقلیت‌های دینی و فکری، همچون شیعیان، یهودیان، مسیحیان، معتزله، فیلسوفان، توجه اهل‌تسنن، به‌ویژه حنبلیان را به خود جلب نماید.^۳ همین رویه را نیم قرن بعد، مقتدر عباسی پیشه خود کرد و در این راه تمام تلاش خود را برای سخت‌گیری نسبت به دیگر فرقه‌ها در پیش گرفت.

این سخت‌گیری‌ها و بی‌اعتنایی به پیروان سایر فرقه‌های مذهبی، موجبات رنجش این گروه‌ها را فراهم آورد و باعث گردید تا دانشمندان با گرایش‌های مختلف از مرکز خلافت گریزان باشند و بیت‌الحکمه را چه به زور خلفا و چه به خواست خود ترک و به سایر مراکز علمی دیگر آن زمان (همچون نهادهای علمی فاطمیان و آل‌بویه) رو می‌آورند. البته اختلاف سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ق) با معتزله که در بیت‌الحکمه تجمع داشتند نیز موجب شد کارگزاران حکومت سلاجقه این مرکز علمی را ویران سازند و کتاب‌های آن را به غارت ببرند. در حقیقت، با ورود سلجوقیان به عرصه سیاسی و تأسیس مدارس «نظامیه»، مکتب اشعریه رو به گسترش نهاد و اهل سنت حیاتی دوباره یافتند و به‌طور طبیعی آخرین بازمانده‌های معتزله را از بین بردند.^۴

ج. عامل سیاسی

برخی معتقدند: در زمان مهدی عباسی (۱۶۹-۱۵۹) متکلمان معتزلی از شرایط خوبی برخوردار بودند؛ زیرا افزایش نزادقه و فعالیت‌های الحادی آنان، مهدی را به مبارزه با آنان برانگیخت و او از متکلمان خواست تا به مقابله با نزادقه قیام کنند.^۵ ولی در اواخر این دوره (عصر هارون/الرئسید) با آنان مخالفت شد و توسط هارون از مناظرات کلامی که مورد علاقه شدید معتزله بود، ممانعت گردید و حتی متکلمان زندانی شدند.^۶ با مرگ واثقی (۲۳۲م) و به قدرت

۱. سجاد جمشیدیان و حسین مفتخری، «چگونگی مواجه متوکل با نطلمه‌های کلامی»، ص ۲۶-۵.

۲. همان.

۳. محمد ابوزهره، تاریخ مذاهب اسلامی، ص ۳۱.

۴. رک: ابوبکر خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۸۳۷.

۵. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۵۵۵.

۶. قاضی عبدالجبار، فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، ص ۵۶.

رسیدن متوکل (۲۳۳-۲۴۷)، جایگاه و منزلت معتزله رو به افول نهاد؛ زیرا وی روشی کاملاً متضاد با سه خلیفه قبل از خود (مأمون، معتصم، واثق) در پیش گرفت، بحث‌های کلامی را ممنوع کرد، از مخالفان معتزله (اهل حدیث و حنبله) حمایت و از نظریه «قدیم بودن قرآن» به شدت طرفداری نمود.

به گفته سیوطی، متوکل نسبت به اهل سنت تمایل یافت و آنان را یاری کرد و محدثان را به سامرا، فراخواند و اکرام کرد و از آنان خواست تا احادیث مربوط به صفات و رؤیت را نقل کنند و این عمل او توجه و رضایت مردم را به خود جلب کرد.^۱ بدین‌روی اهل حدیث در مساجد می‌نشستند و علیه معتزله به نقل احادیث می‌پرداختند و آنان را تکفیر می‌کردند.^۲

شکل‌گیری قدرت‌های نیمه‌متمرکز و بعضاً کاملاً مستقل در شرق و غرب خلافت عباسیان در قرون سوم و چهارم هجری و پس از آن نیز بر افول بیت‌الحکمه تأثیر نهاد. این حکومت‌ها در مقابل خلافت عباسیان، در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی، اقتصادی با یکدیگر رقابت می‌کردند و حکومت‌هایی همچون سامانیان، آل بویه و فاطمیان کوشیدند تا در همه زمینه‌ها بر عباسیان چیره گردند و با آنها رقابت کنند. این تلاش‌ها در زمینه علمی و فرهنگی نمود بیشتری یافت، به گونه‌ای که بیشتر حاکمان حکومت‌های دیگر، خود را دوستدار دانشمندان و علما معرفی نمودند و دربار خود را به روی آنها گشودند. بدین‌سان، بسیاری از دانشمندان و مترجمان از بغداد کوچ کردند و به این مراکز پیوستند.^۳

در مجموع، عوامل فرهنگی، اعتقادی و سیاسی در شکل‌گیری و نیز افول بیت‌الحکمه مأمون تأثیر داشته است و می‌توان نقش جریان اعتزال و گرایش و یا تقابل خلفای عباسی نسبت به این جریان را از مهم‌ترین عوامل به‌شمار آورد.

نتیجه‌گیری

«بیت‌الحکمه» نهادی علمی بود که در زمان هارون عباسی بنیان‌گذاری شد و در زمان مأمون عباسی به اوج شکوفایی رسید. بیت‌الحکمه هرچند ابتدا کتابخانه و مکانی برای ترجمه کتب از متون دیگر بود، اما در زمان مأمون عباسی، به یک مرکز ترجمه‌ای - پژوهشی تبدیل شد. گزارش‌هایی که منابع کهن از جایگاه و کارکرد بیت‌الحکمه مأمون به دست می‌دهند، با تصویر پژوهشگران معاصر تفاوت بسیاری دارد. آنچه در منابع اولیه منعکس شده مطالبی محدود است که گاهی در حد ذکر عنوان و گاهی با بیان کارکردی مختصر از بیت‌الحکمه است، درحالی‌که برخی منابع معاصر جایگاه و کارکردهای فراوانی به بیت‌الحکمه نسبت

۱. عبدالرحمن سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۶.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۸۵.

۳. محمد کریمی زنجانی، دارالعلوم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، ص ۳۲.

داده‌اند. مقابله با نفوذ علمی و معنوی اهل بیت علیهم‌السلام از طریق ایجاد حرکت‌های جدید علمی از یک‌سو و گرایش شدید مأمون و خلفای پس از وی تا متوکل به جریان و اندیشه اعتزال و معتزله از دیگر سوی، در شمار عوامل اصلی شکل‌گیری بیت‌الحکمه بوده است. پس از مأمون و انتهای دوران واثق، بیت‌الحکمه در سراسرایی زوال قرار گرفت. البته در زمان متوکل تا حدی رونق گذشته خود را بازیافت، ولی پس از وی دیگر احیا نشد. این رکود در بیت‌الحکمه متأثر از عوامل و شرایط سیاسی، فرهنگی و مذهبی عصر عباسیان، پس از دوران مأمون بوده است. رکود نهضت ترجمه، فراهم ساختن شرایط مطلوب از سوی حکومت‌های تازه‌شکل‌گرفته برای دانشمندان مسلمان، و بی‌توجهی جانشینان مأمون به جایگاه و نقش دانشمندان از عوامل فرهنگی و افول مذهب معتزلی، رویگردانی خلفا از معتزله و توجه به اهل حدیث از عوامل مؤثر اعتقادی در زوال بیت‌الحکمه بغداد بودند. به‌لحاظ سیاسی نیز انتقال پایتخت از بغداد به سامراء، در زمان معتصم و دور شدن مرکز خلافت از بیت‌الحکمه و همچنین شکل‌گیری قدرت‌های مستقل در سایر بلاد اسلامی از عوامل سیاسی مؤثر در زوال بیت‌الحکمه به‌شمار می‌آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن جوزی، یوسف، *تذکرة الخواص*، قم، منشورات الرضی، ۱۴۱۸ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن خلکان، شمس‌الدین، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، لبنان، دار الثقافة، بی‌تا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹.
- ابن عدی، عبدالله، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن ندیم، ابوالفرج، *الفهرست*، تحقیق محمدرضا تجدد، چ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابوزهره، محمد، *تاریخ مذاهب اسلامی*، ترجمه علیرضا ایمانی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
- امین، احمد، *ضحی الاسلام*، مصر، المكتبة الاسرة القاهرة، ۲۰۰۳م.
- اندلسی، صاعد، *التعریف بطبقات الامم*، تحقیق غلامرضا جمشیدنژاد، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۶.
- اولیری، دلیسی، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- برنجکار، رضا، *آشنایی با فرق و مذاهب*، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۸.
- بروکلمان، کارل، *تاریخ الادب العربی*، مصر، المنظمة العربية و الثقافة و العلوم، بی‌تا.
- بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق*، تحقیق ابراهیم رمضان، بیروت، دار الفتوی، ۱۴۱۵ق.
- جاحظ، عمرو بن بحر، *رسائل کلامیه*، بیروت، مكتبة الهلال، ۲۰۰۲م.
- جان احمدی، فاطمه، «نهضت ترجمه، نتایج و پیامدهای آن»، ۱۳۷۹، *تاریخ اسلام*، ش ۴، ص ۸۶-۱۴۲.
- جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، انصاریان، ۱۳۷۶.
- جمشیدیان، سجاد و حسین مفتخری، «چگونگی مواجهه متوکل عباسی با نحل‌های کلامی»، ۱۳۹۶، *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۲۶-۵.
- حیدر، اسد، *الامام الصادق و المذاهب الاربعه*، اصفهان، مكتبة الامام امیرالمؤمنین، بی‌تا.
- خطیب بغدادی، ابوبکر، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- الدیوه‌جی، سعید، «بیت‌الحکمه»، ترجمه رضا دادگر، ۱۳۸۷، *میثاق امین*، ش ۸، ص ۲۱۱-۲۶۶.
- ذهبی، شمس‌الدین، *تذکرة الحفاظ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ق.
- ربانی گلپایگانی، علی، *فرق و مذاهب کلامی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- رفاعی، احمدفرید، *عصر المأمون*، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۶ق.
- زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، چ پنجم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۰م.
- زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، چ دهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- ، *کارنامه اسلام*، چ بیستم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- سیوطی، عبدالرحمن، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۹۵۹م.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تحقیق محمد سید کیلائی، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
- شیخ‌الاسلامی، سیداسعد، *سیری اجمالی در اندیشه‌های کلامی معتزله و اثنا عشره*، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- صدوق، محمد بن علی، *خصال*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- ، *عیون اخبار الرضا*، تهران، اعلمی، ۱۴۰۴ق.
- صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

- صفدی، صلاح‌الدین، *الوافی بالوفیات*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ق.
- ضیف، شوقی، *العصر العباسی الاول*، قاهره، دارالمعارف، بی‌تا.
- عش، یوسف، *تاریخ عصر الخلافة العباسیة*، به کوشش محمد ابوالفرج عش، بیروت: بی‌نا، ۱۴۰۲ق.
- فارابی، ابونصر، *الجمع بین رایى الحكمین*، تهران، الزهراء، ۱۳۶۴.
- فانی، کامران، «بیت‌الحکمه و دارالترجمه»، ۱۳۸۱، *نامه فرهنگ*، ش ۴۴، ص ۱۸-۳۴.
- قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، *المحیط بالتکلیف*، به کوشش عمر عزمی، قاهره، بی‌نا، ۱۹۶۵م.
- _____، *فضل الاعتزال و طبقات المعتزله*، تونس، دارالتونسیه للنشر، ۱۹۷۴م.
- قره‌داغی، معصومه و غلامرضا دوست‌زاده، «نقش خلفای عباسی در انتقال پزشکان خاندان بختیشوع به بغداد»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۱۳۹۷، دوره یازدهم، ص ۲۰۶-۲۱۹.
- کریمیسن سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، نگارستان کتاب، ۱۳۸۳.
- کریمی زنجانی، محمد، *دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام*، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۵.
- کسای، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، قم، دار الحدیث، بی‌تا.
- گوتاس، دیمیتری، *تفکر یونانی، فرهنگ عربی*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- محمدی، محمد، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و آثار عربی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- مزی، یوسف‌بن عبدالله، *تهذیب الکمال*، تحقیق بشار عواد، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
- مسعودی، علی‌بن حسین، *اخبار الزمان و من ابادة الحدیثان و عجائب البلدان و الغامر بالماء و العمران*، بیروت، دار الاندلس، ۱۴۱۶ق.
- _____، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۳۷۴.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله من العباد*، قم، مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
- _____، *اوائل المقالات*، بیروت، دارالمفید للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.
- مؤمنی، صمد، «مقایسه رویکردهای ابن‌مقفع و جاحظ بصری در معرفی فرهنگ و تمدن ساسانی به خلافت عباسی»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۱۳۹۸، سال سیزدهم، ش ۵۰، ص ۲۶۱-۲۸۷.
- میه لی، آلو، *علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان*، ترجمه محمدشجاع رضوی و اسدالله علوی، چ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.
- نجیب بوطالب، محمد، *مبارزات اجتماعی در دولت عباسی*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، تهران، علم، ۱۳۸۹.
- واقفی، محمدبن عمر، *فتوح الشام*، بیروت، دار الجیل، بی‌تا.
- ولایتی، علی‌اکبر، *فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- ولوی، علی محمد، *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی*، تهران، بعثت، ۱۳۶۷.
- یاقوت حموی، *معجم البلدان*، به اهتمام فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰م.